

ادامه از صفحه ۱

بنابراین صنعت نفت چه در بخش سرمایه‌گذاری‌های لازم مغفول مانده و حکم مادری را پیدا کرده که همه فرزندان خود را تغذیه می‌کند ولی خود گرسنه مانده است و چه با گرفتار شدن در تفرک نفی جذب فناوری‌های روزآمد افزایش بهره‌وری با فاجعه عظیم از دست دادن ۱۰۰ میلیارد دلار ثروت ملی است.

**۲-۱) بخش ظرفیت تولید نفت:**

ظرفیت تولید در ابتدای برنامه چهارم ۴٫۲۶ و در پایان آن یعنی ۱۳۸۸ می‌بایست به ۵ میلیون بشکه در روز می‌رسید. این هدف برنامه تنها حدود ۱۵٪ تحقق و به ۴٫۳۵ رسید. متأسفانه از آن پس جریان سقوط آزاد تولید شروع گردیده و در سال‌های بعد به اعداد ۳٫۹۴، در سال ۸۹، ۳٫۶ در سال ۹۰ و ۳٫۳ در سال ۹۱ رسید، به عبارت دیگر در ۲۲ سال اول برنامه پنجم که می‌بایست ۲۱۳ هزار بشکه به ظرفیت تولید اضافه می‌شد حدود ۶۲۰ هزار بشکه کاهش داشتیم. این کاهش در سنال سوم برنامه و عمدتاً ناشی از مسائلی ناشی از تحریم و عدم صادرات صادرات ادامه یافته و تا حد ۲٫۷ میلیون بشکه سقوط نموده بطوریکه سطح صادرات نیز از حدود ۲٫۵ میلیون بشکه به کمتر از ۹۰۰ هزار بشکه یعنی حدود یکسوم کاهش یافت. پس از برجام و تسویه در امر صادرات گرچه تولید و صادرات افزایش گرفت ولی پیش کرد ولی هرگز سطح تولید و صادرات قبل از تحریم سازمان ملل را پیدا نکرده و به ترتیب به حداکثر ۳٫۹، ۲٫۲ و ۲٫۵ میلیون بشکه در روز رسید. در حال حاضر گرچه نگارنده از آمار دقیق تولید و صادرات تحت شرایط تحریم مطلع نیست ولی انتظار تولید بیش از ۲٫۶ و صادرات بیش از ۰٫۸ میلیون بشکه در روز را غیر واقعی می‌داند.

**۲-۲) صادرات و درآمدهای ناشی از نفت:**

کاهش صادرات از ۲٫۵ میلیون بشکه انتظاری به کمتر از ۰٫۸ میلیون بشکه در روز درآمدهای آری کشور ناشی از صادرات نفت خام را تا حدود یک‌سوم کاهش داده است. این امر نه فقط آثار گسترده خود را در کل اقتصاد کشور داشته و با توقف بسیاری از پروژه‌های توسعه‌ای ضروری، توقف بخش‌های بزرگی از صنایع و غیره بحران کاهش اشتغال را نیز تشدید نموده که آثار اجتماعی خود را در بردار. این امر درآمدهای شرکت نفت که به‌صورت درصدی از فروش نفت خام می‌باشد را نیز کاهش داده و تولید و نیز پروژه‌های گسترده و ضروری صنعت را با بحران بی‌پولی و بدهکاری به پیمانکاران داخلی و خارجی روبرو ساخته است.

**- صادرات میعانات گازی:**

صادرات میعانات گازی نیز شرایط دشوارتری را می‌گذراند چراکه به علت کیفیت نه‌چندان مطلوب آن بهتر است بیشتر در پالایشگاه‌های داخلی بستی صادرات انجام گیرد. تکمیل پالایشگاه ستاره خلیج‌فارس گر چه گامی مثبت و مهم در رابطه با این مهم بوده است ولی در مقابل راهاندازی فازهای بیشتر پارس جنوبی تولید میعانات از افزایش داده است لذا اجرای طرح‌های پالایشی میعانات نظیر طرح‌های پالایشی سیرا ضرورت نام پیدا نموده که عدم اجرای آن‌ها همراه با مسائل مربوط به تحریم صنعت و بازرایی آن موجب گردیده تا کشور با دو مشکل روبرو باشد:

**الف:** عدم صادرات میعانات گازی و محرومیت از درآمدهای ناشی از آن.

**ب:** عدم صادرات میعانات گازی موجب می‌گردد که تولید گاز به نسبتاً کاهش یافته و بحران کمبود

گاز را به وجود آورد.

این مشکل تاوم با دیگر مسائل ناشی از رشد مصرف گاز می تواند موجب آثار سنگینی بر تولید برق و نیروگاهها و ریزکرد مجدد آنان به سوخت مایع مثل گازوئیل که با محدودیت‌های تولید و واردات روبروست گردد.

**۲-۲) گاز:**

**۲-۱) بخش ظرفیت تولید گاز:**

اهداف برنامه چهارم در این بخش تنها حدود ۴٫۵۳ تحقق یافته و در پایان برنامه بجای ۶۲۳ تنها به ۴۶۹ میلیون متر مکعب در روز رسید. اهداف برنامه پنجم طی دو سال اول آن یعنی سال‌های ۹۰ و ۹۱ تنها ۲٫۵٪ تحقق یافته و ظرفیت تولید به ۳۳۱ میلیون متر مکعب در روز رسید و در پایان برنامه نیز از ۷۱۰ میلیون متر مکعب در روز فراتر نرفت. با راهاندازی کامل فازهای پارس جنوبی همچون ۱۲، ۱۴، ۱۵، ۱۷، تا ۱۹، و نیز تکمیل نسبی و راهاندازی دیگر فازها مثل فازهای ۱۴ و ۲۴-۳ و نیز افزایش تولید گاز همراه نفت به دلیل افزایش تولید نفت پس از برجام سطح تولید گاز به اعداد برنامه نزدیک گردید. برنامه‌های تدریجی پالایشگاه ستاره خلیج‌فارس با خوراک میعانات گازی نیز بخشی از محدودیت‌های صادرات میعانات را کاهش داده و امکان تولید بیشتر میعانات و گاز را فراهم نمود.

**۲-۲) بخش میعانات گازی:**

تولید میعانات گازی متأثر از تولید گاز بوده و میزان تحقق در برنامه چهارم حدود ۵۶٪ بوده و به ۴۳۰ هزار بشکه در روز در سال پایانی یعنی ۸۸ رسیده است ( در برابر ۴۵۰ برنامه ). در طول دو سال اول برنامه پنجم هیچ رشدی نبوده و طی سال‌های ۹۰ و ۹۱ در سطح ۳۸۰ هزار بشکه در روز باقی ماند و با راه‌اندازی تدریجی فاز ۱۲ نهایتاً در پایان برنامه پنجم تولید میعانات به‌صورت بالقوه با افزایش حدود ۶۰ هزار بشکه‌ای روبرو گردید ولی به دلیل محدودیت صادرات وعدم تکمیل پالایشگاه ستاره خلیج‌فارس از آن به‌طور کامل استفاده نشد. پس از برجام و گشایش نسبی صادرات و نیز راهاندازی فازهای متعدد پارس جنوبی و در سال اخیر و با راهاندازی هر سه فاز ستاره خلیج‌فارس امکان تولید تا ۸۰۰ هزار بشکه در روز فراهم گردیده است. تحریم‌های جدید امریکا ما مجدداً صدور این میعانات را علاوه بر مشکل ترستی و کم کاپتان بالای آن با مشکل جدی روبرو ساخته است.

**۲-۲) تزریق گاز به مخازن نفتی:**

در این بخش با کمی تقرب می‌توان گفت که اهداف برنامه چهارم ابدأ تحقق یافته و تزریق در سطح ۷۸ میلیون متر مکعب در مقایسه با ۴۹۶ برنامه باقیمانده است و در دو سال اول برنامه پنجم نیز پس از یک رشد ۱۰ میلیون مترمکعبی در سال ۸۹ مجدداً با افت روبرو و در سال ۹۰ و ۹۱ در سطح حدود ۸۷ ثابت ماند و در حالیکه در سال‌های پایانی برنامه پنجم نیز رشد قابل‌توجهی را شاهد نبوده و به ۹۸ میلیون متر مکعب در روز رسید. بی‌توجهی و عقب‌ماندگی در این بخش از غفلت‌های بزرگ محسوب می‌شود که می‌تواند موجب کاهش بهره‌وری از میادین نفتی

# آسیب‌شناسی صنعت نفت و راهبردهای اصلاحی (۱)

در حال تولید و افت ضریب بازیافت از آن‌ها گردیده و بنا به شرحی که قبلاً اشاره گردید حجم عظیمی از نفت در مخازن باقی مانده و ثروتی هنگفت از دست برود. لذا تزریق گاز به میادین نفتی یک ضرورت تام بوده تا در کنار تزریق آب در میادین آبدوست و نیز کاربرد دیگر فناوری‌های مدرن دسترسی به میلیاردها بشکه نفت اضافی و تولید هزاران میلیارد دلار ثروت بیشتر را ممکن سازد.

**۴-۲) گاز سوزانده شده:**

در این رابطه عملکرد شرکت ملی نفت ایران منفی بوده است، چراکه به‌موجب برنامه چهارم بایستی سوزاندن گازها از ۳۶ میلیون متر مکعب در روز در سال اول برنامه به ۱۰ میلیون کاهش یابد ولی بالعکس این عدد به ۴۲ میلیون متر مکعب در روز رسید.که ۶ میلیون بیش از شروع برنامه و ۳۲ میلیون بیش از اهداف برنامه می‌شد.متأسفانه طی دوره برنامه پنجم هم شاهد تحرک خاصی نبودیم و میزان گازهای سوزانده شده متناسب و ناشی از افت تولید در سال‌های تحریم کاهش و پس از برجام نیز با افزایش تولید اضافی و مجدداً با کاهش تولید در سال و ماه‌های اخیر کاهش یافته است.

آمار سنگین گازهای سوزان که با حجمی معادل ۱٫۵ تا ۲ فزای پارس جنوبی برابری می‌کند عمق فاجعه را چه به لحاظ آثار زیان‌بار زبست‌محیطی و چه از دستم دادن این حجم از ثروت ملی را نشان می‌دهد. هرگونه تأخیر در اجرای طرح‌های سه‌گانه NGL خارک، سیری و مناطق نفت‌خیز که بیش از ۱۵ سال است که عقب افتاده اشتباهی بزرگ است. در کنار این مشکل عدم اتخاذ سیاست‌های منطقی جهت بهره‌برداری از این گازها با سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در احداث واحدهای نیروگاهی و یا صنعتی منطقه‌ای در همان محل‌ها و سخت‌گیری در قیمت‌گذاری گازی که دارد می‌سوزد از مسائلی است که بایستی به‌سرعت و به‌صورت مشوق و قانونمند حل شود.

**۲- پالایش و بخش فرآورده‌های نفتی:**

**ظرفیت پالایش نفت خام:**

درصد تحقق برنامه چهارم در بخش پالایش نفت ۳۸٪ بوده و ظرفیت پالایش کشور از ۱،۵۸۴ هزار بشکه در ابتدای برنامه به ۱،۷۰۷ در پایان آن و در برابر ۱،۹۰۸ برنامه رسیده است و طی دو سال اول برنامه نیز رشد چشم‌گیری نداشته و تنها به ظرفیت ۱،۷۲۸ هزار بشکه در روز رسیده است. تکمیل و راهاندازی پالایشگاه ستاره خلیج‌فارس در سال‌های اخیر تولید فرآورده‌های پالایشی را افزایش داده که به بیش از ۲۰۶۰ هزار بشکه دست یافته که امکان رسیدن به ۲۱۰۰ هزار بشکه را هم داراست.

**۴- پتروشیمی**

**- تولید محصولات پتروشیمی:**

اهداف برنامه چهارم توسعه و رسیدن به ظرفیت تولید ۱۸،۷ میلیون تن تحقق یافته است و با ظرفیت ۲۵ میلیون تن به ظرفیت پتروشیمی طی دو سال اول برنامه پنجم حدود ۲۱٪ از اهداف برنامه مزبور نیز حاصل گردیده و در پایان برنامه با رسیدن به ظرفیت حدود ۳۰ میلیون تن به اهداف برنامه رسیده است. توسعه ظرفیت‌های تولیدی انواع محصولات پتروشیمی که با محدودیت‌های نفتی-مالی- بازرایی روبرو بوده در سال‌های اخیر نیز ادامه یافته و به بیش از ۵۵ میلیون تن رسیده است گرچه نمی‌توان گفت که بخش خصوصی که در سطح وسیعی در این بخش درگیر گردیده با مشکلی روبرو نیست و نیاز به حمایت و همکاری ندارد. در این رابطه سیاست‌های مشوق و کمک به تأمین مالی و مثل بازرایی محصولاتشان می‌تواند به افزایش حجم سرمایه‌های بخش خصوصی کمک نماید.

**- فروش داخلی:**

اهداف برنامه چهارم در پایان دوره به میزان ۳۷٪ تحقق یافته و فروش داخلی به ۷،۸۶ میلیون تن رسیده است. در سال ۸۹ این عدد به ۱۰،۲ رسید و در سال اول برنامه پنجم (۱۳۹۰) ۱۱،۹ افزایش یافته است که معادل ۱۹،۳ درصداهداف برنامه پنجم است. با افزایش ظرفیت تولیدات پتروشیمی فروش محصولات از مرز ۳۲ میلیون تن فراتر رفته است.

**- صادرات محصولات پتروشیمی:**

میزان تحقق اهداف برنامه چهارم با رسیدن به ۱۴ میلیون در سال ۸۸ یعنی سال پایانی برنامه در مقابل عدد ۱۷،۸ میلیون تن برنامه برابر ۶۹،۸٪ بوده است. در سال ۱۳۹۰ صادرات به برنامه نزدیک شده (۱۷،۳) و در مقابل ۱۹،۵) و در سال اول برنامه پنجم با رسیدن به ۱۸،۲ که از هدف برنامه یعنی ۲۱،۴ فاصله گرفته و در سال دوم برنامه با کاهش (بیشتر به دلیل تحریم‌های) به سطح ۱۵،۵ رسیده که از هدف ۳۳،۳۴ برنامه بندت فاصله گرفت ولی در سال‌های جاری این رقم به حدود ۳۳ میلیون تن رسیده است.

**جمع‌بندی:**

در مجموع عملکرد همه بخش‌های نفت، پالایش و گاز طی برنامه‌های چهارم و پنجم مسیر افت را تجربه نموده که سهم تحریم در آن‌ها چشم‌گیر نبوده ولی از سال دوم برنامه پنجم افت‌ها بیشتر ناشی از تحریم شامل محدودیت صادرات و تحریم سیستم بانکی بوده است. کاهش تولیدات متناسب با محدودیت‌های متذکره، کاهش سرمایه‌گذاری‌ها خصوصاً تعطیلی سرمایه‌گذاری‌های خارجی، گران شدن خدمات و پروژه‌ها، کاهش درآمد‌ها و افزایش سرسام‌آور بدهی‌ها و تأخیر در راهاندازی طرح‌ها بوده که سهم تحریم در آن بسیار چشمگیر و تعیین‌کننده است. در جمع پایبستی گفت که صنعت نفت تحت شرایط فعلی دورانی بحرانی را پیشرو دارد که برنامه‌ریزی‌ها و اتخاذ سیاست‌ها چه در سطح وزارت خانه، چه دولت و مجلس بایستی مبتنی بر سیاست‌های خاص شرایط ویژه جهت برپوررفت از مشکلات فوری پیش رو باشد. بدیهی است راه‌حل اساسی معطل در خارج از صنعت دنبال و مربوط به سیاست‌های ملی و دیپلماسی کشور بوده که البته صنعت نفت می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در کمک به حل آن نیز بازی نماید، ولی چنانچه شرایط سیاسی به‌گونه‌ای رقم نخورد که گشایشی حاصل گردیده و یا شرایط سخت‌تر از امروز شود، بایستی اتخاذ سیاست‌های ویژه همه راه‌های برون‌گرا شامل مشکلات مورد حمایت و پشتیبانی همکاران شمال دولت و مجلس محترم، نهادهای نظارتی و امنیتی قرار گیرد. در این ارتباط ضروری است طرح‌های ویژه و اختیارات ضروری جهت حل مقطعی مشکلات نیز تهیه و اعمال گردد.



**ب: راه‌های برون‌رفت از مسائل فوق:**

**۱-تحریم:**

مسئلاً تحریم نواسته طی یک سال اخیر با شدت بخشی و تمرکز بر صنعت نفت و صنایع وابسته و نیز سیستم بانکی جهانی موجبات تشدید مسائل فوق را فراهم و به تبع آن مسائل اقتصادی واجتماعی فراوانی در سایر بخش‌ها را موجب گردد. بدیهی است که حل مشکل تحریم مسئله‌ای خارج از وظایف صنعت نفت بوده و در سطح ملی و در بخش دیپلماسی کشور ویژه‌گی مهم، یکی وزنه سنگین آن در سطح ملی و بین‌المللی که بخش مصرف جهانی را به آن وابسته می‌نماید و دوم تجربه گران‌سنگی که در دوره تحریم یک‌جانبه آمریکا علیه ایسن صنعت و نحوه مقابله و بی‌اثرنمودن آن کسب نموده است می‌تواند همراه با بخش دیپلماسی کشور نسبت به سست نمودن پایه‌های تحریم در سطح بین‌المللی، ایجاد گروه‌های فشار نفتی علیه تحریم در کشورهای تأثیرگذار و مصرف‌کننده و نظایر آن در کنار دیپلماسی کشور باشد.

**۲-حل مسائل صادرات:**

مسئلاً بدون صادرات خصوصاً در بخش نفت خام و فرآورده‌های نفتی و پتروشیمیایی توسعه تولید معنی پیدا نمی‌کند، لذا بایستی تمامی تمهیدات چه در درون صنعت و چه در سایر بخش‌های ملی و در جهت حل مشکل صادرات (نفت، میعانات و فرآورده‌ها) متمرکز و به‌صورت مشترک در جهت اجرایی شدن سیاست‌ها، روش‌ها و استراتژی‌های مربوطه اقدام گردد.

**اولویت‌ها در این رابطه می‌توانند به شرح زیر باشند:**

– حل مسئله صادرات میعانات گازی به‌عنوان اولویت اول با توجه به تأثیر آن در تولید گاز.
– طراحی روش صادرات با کمک بخش خصوصی داخلی با عنایت به کاهش ریسک‌های مالی در عین گشایش امکانات جهت افزایش هر چه بیشتر تولید -ایجاد تحولات ساختاری ضروری در بخش صادرات نفت همراه با کسب اختیارات لازم جهت روبرویی با شرایط ویژه موجود.
– شناسایی انگیزه‌های بازار مصرف و استفاده از تضاد منافع آن‌ها در جهت گسترش کم‌هزینه‌تر صادرات.
– ارزیابی دقیق هزینه‌ها و اتخاذ روش‌های مطلوب جهت حرکت در چارچوب صحیح توازن هزینه‌ها و منافع ملی ناشی از افزایش صادرات.
– بهبود مدیریت و روش‌ها در همه بخش‌ها که متأثر از شرایط فعلی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم تأثیر منفی می‌پذیرند.

**ج: اهداف:**

شعبار صنعت را توسعه پایدار قرار داده و برای تحقق آن در همه بخش‌ها ( توسعه‌های کمی و کیفی

اهداف زیر را مدنظر قرار می‌دهیم:

۱- برون‌رفت از شرایط بحرانی فعلی چه به‌صورت دائمی و در همکاری با دیپلماسی کشور و چه به‌صورت فوری جهت حل مسائل اضطراری صنعت.

۲- بازگرداندن صنعت روی ریل صحیح حرکت در همه بخش‌های اعم از اکتشاف، تولید، پالایش، بخش پتروشیمی، مدیریت، تجهیز نیروی انسانی و غیره.

۳- نوسازی صنعت همراه با افزایش سهم داخلی در طراحی، مهندسی، ساخت تجهیزات و احداث تأسیسات نفتی.

۴- حل مسائل مربوط به طرح‌های در حال اجرا و سرعت بخشیدن به آن‌ها با اولویت طرح‌های میداین مشترک و میادین با بارده بالا و هزینه کمتر.

۵- افزایش ذخایر نفت و گاز کشور با توسعه طرح‌های اکتشافی و اولویت مناطق و حوزه‌های با

۶- صیانت از ذخایر نفت و گاز کشور با تسریع در طرح‌های تزریق گاز و آب به میادین و دیگر روش‌های علمی متداول در جهت بهبود ضریب بازیافت از مخازن.

۷- کاهش سهم خام فروشی در صادرات با توسعه پایدستی با اقتصاد بر تر.

۸- بهبود نظام بازرایی نفت خام و فرآورده و همچنین محصولات پتروشیمی با هدف افزایش درآمد‌ها، کاهش هزینه‌ها و ریسک‌ها و روانی عملیات و سرعت در عمل.

۹- توسعه پیوند صنعت نفت با نظام علمی- صنعتی کشور و ارتقاء سهم آن در تکمیل چرخه صنعت.

۱۰- توسعه فناوری ملی در بخش نفت و در جهت کسب جایگاه مطلوب جهانی.

۱۱- تکمیل صنعت به‌سوی صنعتی پویا و جهانی از حالت تجاری فعلی.

۱۲- تقویت نقش و جایگاه ایران در اوپک و کسب سهم عادلانه از بازارهای جهانی نفت و فرآورده و کمک به بازرسانی و تقویت سازمان اوپک در بازارهای جهانی و تأمین منافع صادرکنندگان در تعاملی عادلانه با مصرف‌کنندگان.

۱۳- تقویت نظام برنامه‌ریزی و ارزیابی عملکرد با شاخص‌های بهره‌وری.

۱۴- تقویت اداره اقتصادی واحدهای مختلف صنعت نفت، عدم تمرکز، نیل به خودکفایی مالی همراه با افزایش کارایی نیروی انسانی و کاهش و شفاف‌سازی هزینه‌ها.

۱۵- عرضه مطمئن فرآورده‌های نفتی و پتروشیمی

# آسیب‌شناسی صنعت نفت و راهبردهای اصلاحی (۱)

ضمن آنکه انتقال فناوری‌ها و سیستمهای مدیریت در کنار شرکت‌های موفق و بزرگ بین‌المللی نیز تسریع و می‌تواند حسب موردنظر بکار گرفته شود.

**۲- تلاش جهت کاهش خام فروشی از طریق توسعه صنایع پتروشیمی، پالایشی و صنایع پایین‌دستی نفت:**

حرکت شتاب‌دار آغاز شده طی دهه‌های گذشته که منجر به توسعه چشم‌گیر صنعت پتروشیمی گردیده است موجب گردیده تا آنان که محصولی همراه گاز طبیعی نبوده و با آن می‌سوخند، به زنجیره‌ای ارزشمند از محصولات پتروشیمی با ارزش چند صد تا چند هزار دلار در تن تبدیل گردد.

گسترش صنعت گاز که شکوفایی آن با توسعه پارس جنوبی آغاز و با ادامه طرح‌های مربوطه فرصتی تا این صنعت آگاهانه و در همه زمینه‌ها مثل صنایع شیمیایی، متانول، کودهای شیمیایی، لاستیک و پلاستیک و… توسعه یابد و با اولویت دادن به صنایع با ارزش افزوده بیشتر و هزینه کمتر محل کسب درآمد نیز با گسترش زنجیره‌های متعدد پایین‌دستی در بخش خصوصی اشتغال گسترده در سطح کشور را ممکن سازد.

میعانات گازی، خصوصاً میعانات پارس جنوبی به دلیل ترشی (بالا بودن مرکاپتان ) شانس صادرات کمتری داشته و توسعه‌های گازی نیز منجر به تولید اضافی آن‌ها خواهد شد، لذا می‌توان با احداث پالایشگاه‌های میعانات (نظیر ستاره خلیج‌فارس) به محصولات ارزشمندی همچون نفت گاز، سوخت- جت، نفتا و حتی بنزین تبدیل و پس از اشباع بازار داخلی صادر شوند. لذا اجرای طرح‌های مهمی همچون پالایشگاه ستاره خلیج‌فارس در اولویت قرار

گرفته و بخش خصوصی نیز با مشوق‌ها و تمهیداتی جهت سرمایه‌گذاری در واحدهای کوچک‌تر ولی اقتصادی پالایش میعانات حمایت بیشتری در طرح‌های پالایشی سیراف را رفغ موانعی همچون کوچک و غیر ظرفیت بزرگ صنعتی را به وجود آورده است که بهره‌برداری از این بعد صنعت همواره مغفول مانده است، علت نیز آن بوده که به علت وابستگی اقتصاد کشور به درآمدهای ناشی از نفت نگاه حاکم بر صنعت نگاهی تجاری بوده است.

مسئلاً برای سالیان نسبتاً طولانی آتی نیز کشور همچنان نگاه‌ی جدی به درآمدهای نفتی جهت تأمین نیازهای آری – ریالی خود داشته و رگه‌های نگاه تجاری باقی می‌ماند مع‌هذا بایستی تلاش شود که این نوع نگاه در کلیه سطوح ملی اعم از درون و بیرون صنعت اصلاح و توجه به پتانسیل عظیم

فنی- علمی- مدیریتی صنعت و سازمان‌دهی آن جهت ظاهر شدن در قامت شرکتی صنعتی در سطح بین‌المللی به عمل آید. اینکه یک قرن از صنعت نفت

در کشور می‌گذرد و هنوز فاقد شرکتی با توانایی‌ها و جایگاه شرکت‌های نفتی بین‌المللی هستیم تا بجای ساختن درآمد از دانش فنی و سرمایه‌گذاری‌های هدفمند در همه جای جهان صرفاً به مخزن داری صرف نفت و فروش سرمایه‌های مسلمی می‌پردازیم به‌هیچ‌وجه جایگاهی مناسب نبوده و همان‌گونه که صنایع نفت کشورهایی چون نروژ، برزیل، مازری، آرزانتین، اسپانیا و نظایر آن با تغییر نگاه دولت‌ها و صنایع نفتشان این‌گونه سرمایه‌ها را به‌وجود آورده و

ب بهره‌برداری از مخازن نفت و گاز دیگران درآمدهای کلان می‌سازند حرکت به این سو را سامان دهیم. در این ارتباط صنعت نفت بایستی از آن دسته از شرکت‌های بخش خصوصی که دارای توان ایجاد ظرفیت‌هایی که حرکت به‌سوی هدف فوق را تسهیل نماید حمایت تا شرکت‌های خصوصی نفتی مشابه آنچه در جهان صنعتی وجود دارد تشکیل گردد. مسلماً این حرکت از سوی دیگر نهادهای ملی مرتبط مثل دولت، مجلس و نهادهای نظارتی نیز بایستی موردحمایت قرار گیرد.

**۲- توجه جدی به توسعه و تجهیز نیروی انسانی:**

صنعت نفت امانت‌دار کل ذخایر هیدروکربوری کشور و اداره‌کننده تمامی تأسیسات حال و آینده آن به ارزش هزاران میلیارد دلار و مسئول طرح‌های توسعه‌ای آن به ارزش صدها میلیارد دلار است، لذا توجه به نیروی انسانی چه به لحاظ دانش و صلاحیت‌های علمی لازم، چه به لحاظ توسعه کمی و کیفی آن در چارچوب برنامه‌های تعریف‌شده از اهم وظایف وزارت نفت محسوب می‌شود ضمن آنکه نبایستی از انگیزه‌های مادی و معنوی و اتخاذ سیاست‌های حمایتی از معیشت پرسنل در بازار رقابتی بین‌المللی نیز غافل بود، شرکت‌های موفق بین‌المللی همواره ضمن گسترش آموزش‌های علمی کاربردی و انتقال تجربیات از نسلی به نسل دیگر خود ایجاد اعتبار و بازارهای فراوانی برای خدمات در آن تأمین می‌نمایند. بدیهی است در جهان انرژی در هر یک از ابعاد کار که عقب بقیتمی نه فقط ضررهای مستقیم آن ناشی از عدم بهره‌برداری صحیح از مخازن، افزایش هزینه‌ها، کاهش درآمد‌ها تا تحمل خواهیم نمود بلکه نهایتاً ناچار از واگذاری صحنه‌ها به چنین رقیبایی خواهیم شد. لذا هم به حکم وظیفه جهت تجهیز شدن به آخرین دانش‌ها جهت توسعه و حفظ مخازن، بهره‌برداری بهینه از آن‌ها، نوسازی تأسیسات و نهایتاً ایجاد اعتبار علمی، فنی در سطح جهان برای خود و هم به حکم اجبار و تمکین به قاعده بازی در بازار رقابتی انرژی بایستی همواره در جهت ارتقاء نیروی انسانی و تجهیز آن‌ها به بهترین دانش‌ها و سیستم‌های مدیریتی و روش‌های جاری و متعارف نفتی اقدام نماییم.

تمرکز آموزش‌ها در رشته‌های تخصصی نفتی، توسعه آکادمیک رشته‌های مختلف نفتی اعم از فنی، اقتصادی و مدیریتی در دانشگاه صنعت نفت و دیگر دانشگاه‌های تراز اول کشور و حمایت از برنامه‌های آن‌ها، توسعه روابط دانشگاهی با دانشگاه‌های خوب جهان صنعتی، ایجاد آموزش‌کننده‌های فنی در واحدهای مختلف نفت متناسب با نیازهای تخصصی آن‌ها، آموزش‌های منطبق دوره‌های حین کار و اجباری نمودن آن‌ها جهت هرگونه ترفیع در مشاغل، تخصیص دروس در این بودجه‌های عمرانی طرح‌ها به آموزش پرسنل جهت بهره‌برداري و تعمیر و نگهداری آن‌ها از اقداماتی هستند که هدف فوق را تحقق می‌بخشند

بهره‌برداری و برداشت از این مخازن را در دستور کار داشته و به آن مشغولند. مطابق برنامه‌های تنظیمی وزارت نفت در سال ۸۴ که تولید از پارس جنوبی به ۱۳۰ میلیون متر مکعب در روز رسید که از قطر بیشتر بود، قرار بود که با اجرای طرح‌های توسعه‌ای برنامه‌ریزی‌شده برای دیگر فازها (فازهای ۶ تا ۱۰ در حال اجرا بودند) در سال ۲۰۱۲ میلادی (۱۳۹۱) تمامی عقب‌ماندگی‌ها جبران و از قطر به‌طور کامل جلو بقیتم، متأسفانه عدم موفقیت در اجرای طرح‌های توسعه‌ای به شرحی که قبلاً ذکر شد این عقب‌افتادگی بیشتر و در حد دو برابر تا سال‌های اخیر در جریان بوده و سالانه حدود ۴۵ میلیارد دلار بیشتر از ما از جاه‌های قطر تولید می‌شد که خوشبختانه با تکمیل و راهاندازی فازهای متعدد در دو سال اخیر به سطوح تولیدی متوازن با قطر رسیدیم.

طرح‌های توسعه‌ای پارس جنوبی طی برنامه پنجم با پراکندگی در اهداف در حد ۵۰-۶۰ درصد تکمیل و دوران توقف نسبی را به علت هزینه شدن بودجه‌های پیش‌بینی‌شده و نیز مسائلی تحریم و بدهی‌های سنگین وزارت نفت می‌گذراندند لذا پرداختن به حل این مغضلات به‌عنوان اولویت بالا در سطح حل از راهبردهای اصلی بود که گرچه با تأخیر و زبان بالا و عدم النفع ناشی از تولید بیشتر قطر طی دهه‌های گذشته بالاخره تحقق یافت ولی به بخش بهره‌گیری از این منبع ارزشمند قطر با صدور بیشترین صادرات گاز مایع خود را به رونق‌مندی بیشتر جهان تبدیل نموده ولی مسا در حد اتلاف و تبذیر به مصرف تقریباً همه گاز تولیدی خود پرداخته و با غفلت از ضرورت تزریق گاز به میادین بزرگ ولی قدیمی‌تر نفت با هدف صیانت از آن‌ها و ثروت‌های چند هزار میلیاردی درون آن‌ها و نیز کم‌کاری در بخش صادرات، کم‌ثروت‌های گازی‌مان را از دست می‌دهیم و هم بسیار بیهوشانه با بازار صادراتی را به خود اختصاص داده‌ایم که می‌توانست هم منبع تولید ثروت و هم عامل قدرت و اثرگذاری اقتصادی- سیاسی در بازار برای ما باشد.

**۶- تولید و صیانت از ذخایر نفت خام:**

ذخایر عظیم نفت خام در جای کشور که شناخته‌شده است تجاوز از ۶۰۰ میلیارد بشکه است که با روش‌های سنتی استخراج ما تنها ۱۵۷ میلیارد بشکه آن قابل استحصال است، نعمتی خدادادی که به همه نسل‌های حاضر و آینده تعلق دارد و صیانت از این مخازن از وظایف ملی نسل حاضر شمرده می‌شود. صیانت البته به معنای عدم تولید نیست بلکه تولید صیانتی با بهره‌گیری از بهترین دانش‌های روز و فناوری‌های مدرن و با هدف به حداکثر رساندن ضریب بهره‌وری است که بایستی از راهبردهای

وزارت نفت بوده و با توجه به ابعاد چند تریلیون دلاری زیان ناشی از غفلت از آن به شرحی که قبلاً توضیح داده شد از هرگونه کوتاهی و یا ممانعت از تحقق آن بهر بهانه و از سوی هر شخص و جریانی هم که باشد جلوگیری شود. در این رابطه توسعه دانش فنی داخلی در ارتباط با کارندگان فناوری‌های مدرن تجاری‌شده نظیر بهترین تکنولوژی‌ها در بخش لرنز(تعمیر، به‌سبب‌بندی و چهار بعدی )، حفاری‌ها (افقی، چندجانبه، هوشمند و…)، اجرای طرح‌های تزریق آب و گاز به میادین و به حداکثر رساندن ضریب بازیافت از هر مخزن و نهایتاً و در صدر همه اقدامات اولویت دادن به بهره‌برداری علمی از میادین مشترک بایستی از سیاست‌های راهبردی مهم یا بخش نفت باشند. تقویت اکتشافات با اولویت مناطق مرزی و نیز اکتشافات تکمیلی در میادین مشترک جهت شناسایی پتانسیل‌های بیشتر این مخازن اعم از نفت و گاز و در لایه‌های در حال بهره‌برداری و با لایه‌های عمیق‌تر نیز از اولویت‌ها خواهد بود.

**۷- ترازیت انرژی و تبدیل‌شدن به ثقل عملیات انرژی منطقه:**

وجود منابع عظیم گاز و نفت در کشور، حضور همسایگان متعدد در اطراف کشور که همگی یا تولیدکنندگان بزرگ نفت و گاز هستند و یا مصرف‌کنندگان بزرگ، حضور تولیدکنندگان بزرگی چون ترکمنستان، قزاقستان و آذربایجان که به آبهای بین‌المللی دسترسی ندارند، حضور روسیه که رقیب اصلی ما در نفت و گاز (نفت اورال روسیه بزرگ‌ترین رقیب نفت سیبک ایران در مدترانه و خطوط متعدد گاز روسیه به اروپا مانع بزرگ انتقال گاز ایران به آن منطقه است)، تولیدکنندگان بزرگ نفتی در جنوب و غرب کشور که عضو اوپک بوده ولی در عین حال بسیاری از آن‌ها مثل امرات، کویت و عمان تشنه گاز طبیعی می‌باشند، عراق و کمبودکننده شدید برق و نیاز آن به گاز و نیز ترکیه مصرف‌کننده بزرگ نفت و گاز در شمال غربی و پاکستان تشنه گاز و فرآورده و با کمی فاصله هند و چین بازارهای بزرگ حال و آینده نفت و گاز می‌باشند.

بسیار عادی است که همه این کشورها خصوصاً بزرگانی چون هند و چین با حساسیت نسبت به امنیت عرضه درآمدت انرژی ترنواوند بزرگ‌ترین ذخایر گازی جهان و یکی از بزرگ‌ترین‌ها در ذخایر نفت یعنی ایران را در محاسبات خود نداشته باشند. این موقعیت ویژه به ایران امکان می‌دهد تا

۱- با اتصال خطوط لوله گاز به کشورهای ساحل جنوبی خلیج‌فارس تأمین‌کننده گاز طبیعی اعضای مهم شورای همکاری مثل امارات، عمان و کویت بوده و با اتصال به عراق عضو دیگر شورا نیز وابستگی امری انرژی ایران پیدا نموده و از این آره نه فقط راه‌آمد‌های کلان مالی عاید می‌گردد بلکه به امنیت روابط فیما بین و اثرگذاری سیاسی در تنظیم آن کمک شایانی خواهد نمود.

۲- ارتگذارترین اقدامات اقتصادی، سیاسی و امنیتی است که می‌تواند چهره سیاسی منطقه را دگرگون سازد و توسعه بخش‌های مختلف مسیر خط لوله را نیز علاوه بر درآمدهای مالی و اقتصادی موجب گردد.

۳- مشارکت در طرح‌های نفت و گاز با همسایگان شمالی، ایجاد امکان صدور نفت و گاز آن‌ها از طریق ایران چه با معاوضه و تحویل در جنوب و چه اتصال به خطوط لوله برنامه‌ریزی‌شده گاز به اروپا و نیز ترکیه در جهت تنوع ساخت تأمین‌کنندگان گاز به آن قاره معمولاً اقداماتی است که ایران را به بازیگری مهم و اصلی (HUB) گاز و انرژی در منطقه تبدیل نماید. آنچه مسلم است حرکت به‌سوی عملیاتی نمودن این راه‌ها درمکن مهم سیاسی – اقتصادی – امنیتی می‌تواند به‌عنوان نکته‌های محوری در راهبردهای وزارت نفت در همکاری و همراهی با دیگر سازمان‌ها، نهادهای و وزارتخانه‌های مرتبط و خصوصاً حمایت همه‌جانبه مطرح محترم و دستگاه دیپلماسی – امنیتی کشور و مجلس و عملیاتی‌شده و در نتیجه کشور را به نقطه اتکای جدی بازارهای دور و نزدیک تبدیل نماید.

**ادامه در صفحه ۱۱**